روایت آخرین قربانی دیوار برلین

یك کارگردان تئاتر از اجرای نمایش «هشت ماه بیشتر» در پاییز امسال و با بهبود نسبی شرایط خبر داد. مهدی محبعلی عنوان کرد: این نمایش روایتی از وینفرد فرودنبرگ، آخرین قربانی دیوار برلین است. این نمایش قرار بود اردیبهشت امسال در تئاتر هامون اجرا شود که به دلیل ویروس کرونا امکان اجرای آن میسر نشد. آرش روستاییان، شقایق موسوی، مهناز فراتی و... بازیگران «هشت ماه بیشتر» هستند. / فارس

انتشار «شگردنامه نقالی»

کتاب «شگردنامه نقالی» نوشته محمدرضا آزادفرد توسط نشر غنچه منتشر شد. مقدمه این کتاب را دکتر قطب‌الدین صادقی، کارگردان تئاتر نوشته است. نقالی، انواع شگردهای اجرایی، آموزش صحیح و اصطلاحات نقل و نقالی از محورهای طرح شده در این کتاب است. شگردهای نقالی ثمره ده سال پژوهش و غور در ورطه نقالی است که با وسواس، گامی برای استفاده علاقه‌مندان هنر وزین نقالی به منظور حفظ و حراست از این هنر است. / هنرآنلاین

دعا برای سینایی به سفارش روح‌ا... رجایی

مروری بر رویدادهای هنر و ادبیات در هفته‌ای که گذشت

در ارتباط با موضوع ستون «سرقت‌های هفته»، پیش از این گزارشی تحلیلی در جام جم منتشر کرده بودیم

سرقت‌های هفته [هوشنگ ابتهاج، اکبر اکسیر و حسین پناهی ثالث]

دزدها غریبه نیستند!

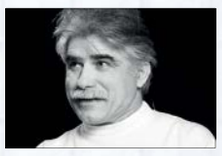

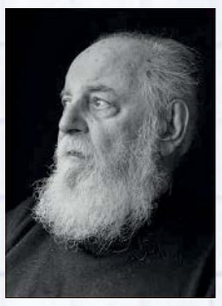

بحث تازه‌ای نیست؛ از قرون گذشته مرسوم بوده که شاعران، بیت‌های یکدیگر را بلند می‌کردند و به نام خود سند می‌زدند. ماجرا حتی گاهی فراتر هم می‌رفت و به یک‌جا بلند کردن یک دیوان هم می‌رسید. فکر می‌کردیم خب آن وقت‌ها که دربارها دیوان‌ها را ضبط می‌کردند و گردش اطلاعات به گستردگی امروز نبود چنین سرقت‌هایی ساده‌تر صورت می‌گرفته است و گمان‌ها بر این بود که با اعتلای ساز و کارهای صیانت از حقوق معنوی آثار و نیز گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی در عصر معاصر، از بروز چنین اتفاق‌هایی جلوگیری شود. چنانچه ما و معاصرانمان بودیم که در پژوهش‌های‌مان دریافتیم در قرن‌های گذشته دزدها دست‌اندرکار چه سرقت‌هایی بوده‌اند. مثلا تا محمدرضا شفیعی‌کدکنی نگوید که دیوان شاعری به نام غواص، یک‌سره شعرهای حزین لاهیجی است، کسی از چنین سرقتی خبر نداشت. اما خب لابد می‌دانید که وضع نسبت به قرون گذشته هیچ بهتر نیست و افزایش شبکه‌های اطلاع‌رسانی اتفاقا بر گسترش چنین دست‌اندازی‌هایی کمک کرده است. حالا هم دختر هوشنگ ابتهاج خبر از انتساب سخنانی به پدرش داده، که خب این هم به نوعی دزدی برعکس است و هم اکبر اکسیر از سارقان شعرهایش گفته است. هر دوی این موارد البته بیشتر از عارضه‌های عرصه جدید است. ابتهاج حرفی را نزده و می‌گویند زده و حسین پناهی شعرهای اکبر اکسیر را به نام خودش چاپ نکرده و می‌گویند کرده... یعنی بدون این‌که آن شاعر که دستش از دنیا کوتاه است در جریان باشد، شعرهای یکی دیگر را به نامش منتشر می‌کنند. راستی، هدف از انتشار این جعلیات چیست؟ یک‌بار به‌طور مفصل این را در گفت‌وگو با یک روان‌درمانگر در جام جم بررسی کردیم. برای خواندن آن گزارش، به سایت روزنامه جام جم بروید و در بخش نسخه پی‌دی‌اف صفحات، روز ۹ آذر سال گذشته را انتخاب کنید و صفحه ۱۰ را بخوانید.

رویداد هفته [بازیگران زن خارجی در سینمای ایران]

کاش انتخاب‌ها هنری بود

از آن مودهای سینمای ایران است که با گذشت چند سال هنوز از مد نیفتاده است. خب، لابد هنوز جواب می‌دهد. حضور بازیگران خارجی در پروژه‌هایی سینمایی ایران را می‌گوییم. در این میان، دو ویژگی را می‌شود به این حضورها نسبت داد. یکی از ویژگی‌ها به اغلبِ این حضورها مربوط است و دیگری به همه‌شان بدون استثنا. اولی این است که بیشتر بازیگران خارجی که اخیرا در سینمای ایران حضور یافته‌اند از کشور دوست و همسایه ترکیه بوده‌اند. به نظر می‌رسد شناس بودن این بازیگران برای مخاطب ایرانی به‌واسطه استقبال ایرانیان از تماشای مجموعه‌های تلویزیونی ترک‌ها و در وهله دوم قرابت‌های هر چند اندک فرهنگی، مهم‌ترین دلایل انتخاب بازیگران ترک برای حضور در سینمای ایران است. اما ویژگی دوم که عرض کردیم به همه این حضورها مربوط است، انتخاب بازیگران زن است. این موارد اخیر را ببینید: نورگل یشل‌چای از ترکیه در فیلم «جن زیبا»، عایشه‌گل جوشکن از ترکیه در «مطرب»، گابریلا پتری از برزیل در فیلم «تگزاس ۱» و «تگزاس ۲» و یحتمل در «تگزاس ۳»، ایشا گوپتا از هند در «دختر شیطان»، دارین حمزه از لبنان در «کتاب قانون» و....

به نظر می‌رسد بهره‌بردن از جاذبه‌های بصری این بازیگران که می‌توانند طبعا بدون حجاب در خارج از کشور و با حجابی نه کامل در داخل کشور جلوی دوربین بروند، دلیل استفاده انتخاب آنهاست. کدام بازیگر زن خارجی و اغلب ترک که در این چندساله با کارگردان‌های ایرانی همکاری کرده‌اند، بازیگران ویژه‌ای بودند آن‌قدر که هیچ بازیگر زنی در سینمای ایران نمی‌توانسته جای آنها بازی کند؟ اغلب آنها بازیگرانی هستند که در نهایت در کشور خودشان جزو بازیگران درجه چندم محسوب می‌شوند و شهرتشان هم اغلب به خاطر چهره‌شان و نیز حضور در سریال‌های پرطرفدار است. حالا چنان‌که در ستونِ تایم‌لاینِ وسط صفحه خواندید، در ادامه حضور بازیگران ترکیه در پروژه‌های سینمایی ایرانی، آسیا تاشکین به فیلم «کوسه» به کارگردانی علی عطشانی پیوسته است. پیش از او نیز آن ماری سلامه، بازیگر زن لبنانی به این فیلم اضافه شده بود. اگر معیار انتخاب بازیگران زن از دیگر کشورها، مبتنی بر ملاحظاتی هنری و زیبایی‌شناسانه بود، می‌شد از این حضورها که طبعا به گسترش ارتباطات سینمای ایران با دیگر کشورها هم کمك می‌کند استقبال کرد. اما انتخاب‌ها تاکنون نشان داده که متاسفانه چنین معیاری مطلقا مطرح نبوده است.

هفته اول مرداد

با خودرو برای هما روستا

حال خسرو سینایی خوب نیست؛ می‌گویند به علت ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری است. ما از دو بابت حالمان بد است. نخست این‌که او یکی از برجسته‌ترین آدم‌های سینمای ماست و دوم این‌که سردبیر فقیدمان روح‌ا... رجایی که او را به علت ابتلا به کرونا از دست دادیم توصیه کرده بود با آقای کارگردان گفت‌وگو کنیم و او حالش بد بود و پاسخ تماس‌ها را نمی‌داد. لطفا خوب خوب شوید آقای سینایی. اتفاق خوب هفته هم ساخت سالنی روباز برای کنسرت و تئاتر است که نام «هما روستا» بر آن خواهد بود. و باقی ماجرا که می‌خوانید.

شنبه، ۴ مرداد

فیلم

همان قبلی لطفا!

همکاری امیر آقایی و نوید محمدزاده در فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا»ی برادران جلیلوند را یادتان هست؟ اول هفته خبر آمد که آقایی هم مثل محمدزاده به جمع بازیگران فیلم سینمایی «شب، داخلی، دیوار» این دو برادر پیوسته تا همکاری دیگری بین این دو بازیگر و آن دو برادر رقم بخورد.

یکشنبه، ۵ مرداد

سینما

خداحافظی با واپسین بازمانده

اولیویا دو هاویلند شاید واپسین بازمانده سینمای کلاسیك هالیوود بود که در ۱۰۴ سالگی درگذشت. علی رستگار از او نوشته است.

دوشنبه، ۶ مرداد

شعر

سارقان ابتهاج و اکسیر

فرزند هوشنگ ابتهاج نسبت به نقل‌قولی منسوب به این شاعر درباره «پر سوم در شاهنامه» واکنش نشان داد و گفت این نوشته جعلی است و دو روز بعد صدای اکبر اکسیر درآمد که شعرهایش را چه کسانی دزدیده‌اند. در این باره، باکس مرتبط را بخوانید.

نمایش و موسیقی

تماشای نمایش و کنسرت با خودرو

ایده ساخت سالن روباز تئاتر و کنسرت در روزگار کرونا را همایون غنی‌زاده داد که این روزها با فیلم «مسخره‌باز»ش دوباره در کانون توجه‌ها قرار گرفته است. خبر آمد که ایده او اجرایی شده و اولین سالن تخصصی روباز اجرای تئاتر و کنسرت با ظرفیت ۶۰۰ خودرو در شهر آفتاب ساخته شده به نام زنده‌یاد «هما روستا».

سه‌شنبه، ۷ مرداد

آسیا در ایران

فیلم

در ادامه حضور بازیگران ترکیه در پروژه‌های سینمایی ایرانی، خبر آمد که آسیا تاشکین به فیلم «کوسه» پیوسته است که فیلمبرداری‌اش به کارگردانی علی عطشانی از یك ماه پیش آغاز شده است.

چهارشنبه، ۸ مرداد

سینما

به سفارش روح‌ا... رجایی

این، بی‌تردید ناگوارترین خبر هفته است؛ خسرو سینایی، کارگردان بزرگ و صاحب سبك ایرانی با حال وخیم به علت عفونت ریه و مبتلاشدن به کرونا در بیمارستان امیراعلم بستری شده و از دوستداران او خواسته شده برای سلامتی‌اش دست به دعا ببرند. یادش به‌خیر؛ همین چندی پیش، روح‌ا... رجایی سردبیر فقید روزنامه جام جم به ما سفارش کرده بود با او گفت‌وگویی ترتیب دهیم و هر چه تماس گرفتیم، ایشان را نیافتیم غافل از این‌که دچار حال ناخوشی بوده است.

چهره‌های هفته [اولیویا دوهاویلند و البته جون فونتین]

خواهران غریب از توکیو بدون توقف

علی رستگار

سینما

عجالتا به جهان شمولی جغرافیایی زندگی‌اش کاری ندارم که از والدینی بریتانیایی در توکیو به دنیا آمد و در پاریس درگذشت، بلکه بیشتر می‌خواهم حال و هوایش را در چهاردهمین دوره اسکار تصور کنم؛ مراسمی در ۲۶ فوریه ۱۹۴۲ در هتل میلنیوم بیلتمور لس‌آنجلس که قرار است در آن به بهترین‌های سینمایی سال قبل اسکار بدهند.

اولیویا دوهاویلند با کلی امید و آرزو و نقدهای مثبتی که برای نقش‌آفرینی‌اش در «جلوی سحر را بگیرید» (نگذار سپیده بدمد) دریافت کرده، یکی از پنج بازیگر نامزد اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن است.

وقتی بدانیم که یکی از آن چهار رقیب در این بخش، جون فونتین خواهر کوچك‌تر دوهاویلند است، تصورات ما شکل پیچیده‌تر و دراماتیك‌تری پیدا می‌کند. حالا می‌توان قصه‌پردازی کرد این دو خواهر مشهور و پرآوازه هالیوودی که از قضا اختلافات و رابطه ناخوشایند آنها به رسانه‌ها هم راه یافته بود، در آن شب کذایی چه لحظات ملتهب و نفسگیری را تجربه می‌کردند. این‌که احتمالا هر شوخی و کنایه باب هوپ، کمدین مشهور و مجری آن مراسم چه تاثیری بر حس و حال و ضربان قلب این دو خواهر می‌گذاشت و آنها چقدر باید برای حفظ ظاهر و پوشاندن درون پرآشوب‌شان دیوانه‌وار و سینمایی می‌خندیدند، هم خودش قابلیت خیالپردازی بازیگوشانه‌ای دارد.

نقطه عطف این داستان‌سرایی مبتنی بر واقعیت ما، اعلام نام برنده بهترین بازیگر نقش اول زن سال ۱۹۴۱ بود؛ جون فونتین. او برای بازی درخشانش در «سوءظن» آلفرد هیچکاك، ضمن شکست خواهرش در یك رقابت سینمایی. که البته جلوه‌ای از رقابت و اختلافاتشان در زندگی واقعی را هم در خود داشت.

رقبای مهم دیگری چون بت دیویس، گریر گارسون و باربارا استنویك را کنار زد و مجسمه طلایی را به خانه برد. باز هم می‌خواهیم کمی پیازداغ قصه را زیاد کنیم و احتمالا هم‌صدا با نشریات زرد آن زمان هالیوود، آتش بیار معرکه باشیم؛ در همه آن لحظاتی که جون فونتین همراه گری کوپر (برنده اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد برای فیلم گروهبان یورك) روی صحنه مراسم، مجسمه طلایی در دست می‌خندیدند و خنده‌شان بند هم نمی‌آمد، واکنش دوهایلند چه بود و چه می‌کرد؟!

شکست دوهاویلند در آن شب، واقعا مقدمه‌ای برای پیروزی‌های بعدی‌اش در زندگی حرفه‌ای شد و او در سال‌های ۴۶ و ۴۹ دو بار برنده اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن شد؛ برای فیلم‌های «هرکس سوی خودش» و «وارثه».

درواقع گرچه خواهرِ یك سال کوچك‌تر (جون فونتین) زودتر اسکار را به دست آورد، اما دوهاویلند چند سال بعد و به فاصله کمی با دو اسکار جبران و برای همیشه این برتری جایزه‌ای را حفظ کرد. هرچند فارغ از رابطه نه‌چندان خوب، در مجموع پرچم خانواده دوهاویلند و فونتین بالا بود که یك افتخار و رکورد خانوادگی در کسب اسکار را به نام خود ثبت کردند.

با وجود همه اختلافات و رقابت‌های حرفه‌ای، به‌طرز جالبی بیشتر عکس‌های مشترکی که از این دو خواهر وجود دارد، آنها را با لبخند و مهربانی کنار هم نشان می‌دهد؛ یا این اختلاف، بازی رسانه‌ای‌شان برای جلب توجه بود یا بلد بودند دست کم جلوی دوربین‌ها با هم مهربان جلوه کنند.

اجازه می‌خواهم این نوشته متمایل به زرد را با شور زندگی هر دو خواهر هنرمند به پایان ببرم؛ فونتین که او هم متولد توکیو بود، ۹۶سال عمر کرد و ۱۵ دسامبر ۲۰۱۳ از دنیا رفت و دوهاویلند هم به‌تازگی در ۲۶ جولای ۲۰۲۰ و در ۱۰۴ سالگی.

این دو از بهترین بازیگران سینمای کلاسیک بودند و عبارت‌های غیرفنی «وقار در بازیگری» و «شرمِ حضور» شاید بهترین توصیف و تعریف از آنها باشد. حالا با رفتن دوهاویلند ۱۰۴ ساله و کرک داگلاس ۱۰۳ ساله که در همین سال میلادی و در فوریه درگذشت، سینمای کلاسیک و دوران طلایی هالیوود دیگر رسما به خاطره‌ها پیوست.